



Shariah-Compliant or Shariah-Based? The Changing Discourse of Islamic Finance

Ali Reza Ramrouz*

Mohammad Reza Simiari**



10.30497/ifr.2024.246174.1887



Abstract

Observers and experts of the Islamic finance industry expect Islamic financial institutions to move from offering instruments that are solely Shariah-compliant to offering instruments that are substantially Shariah-based. However, there are some questions about when the words "Shariah-compliant" and "Sharia-based" entered into the Islamic financial literature and why. What is the exact meaning of "Shariah-based"? In this article, in addition to reviewing different attitudes towards the Islamic financial system, we will describe the history of the emergence of the two mentioned terms as a manifestation of the change of discourse in the Islamic financial industry. Investigations show that in the definition of Sharia-based product, at least one of the principles of separation (emphasis on the content separation of Islamic finance from conventional finance), Authenticity and welfare have been implied. The principle of separation refers to the concepts of separate product development, separate pricing, separation of funds and sectoral separation. The principle of authenticity deals with the three concepts of historical authenticity, authentic connection to the real economy and ontological transparency. Concepts in the welfare principle include risk-sharing, protection of the poor, and welfare-oriented business operations. This change in the discourse is not a problem, but a sign of Islamic financial maturity and moving towards the goals of the Islamic economic system.

Keywords: Islamic Finance; Islamic Economy; Shariah.

JEL Classification: D83, E44, G23, G51.

* Faculty Member, Accounting Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Alireza.ramrouz@iau.ac.ir

0000-0003-1479-887X

** PhD Student, Financial Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran; and Researcher, Research Management, Development and Islamic Studies Office, Securities and Exchange Organization, Tehran, Iran.

m_simiari@sbu.ac.ir

0000-0002-9636-708X

Received: 2024/04/27

Accepted: 2024/11/16

«منطبق با شریعت» یا «مبتنی بر شریعت»؟ بررسی تغییر گفتمان در مالی اسلامی

علیرضا رامروز* محمدرضا سیمیری**

چکیده

خبرگان و متخصصان مالی اسلامی از نهادهای مالی اسلامی انتظار دارند تا از عرضه ابزارهایی که صرفاً منطبق با شریعت هستند، به سمت عرضه ابزارهایی که اساساً مبتنی بر شریعت هستند، حرکت کنند؛ اما در مورد زمان ورود دو عبارت «مبتنی بر شریعت» و «منطبق بر شریعت» به ادبیات مالی اسلامی و چرایی آن سؤالاتی مطرح است. معنای دقیق «مبتنی بر شریعت» چیست؟ در این مقاله ضمن مرور نگرش‌های مختلف به نظام مالی اسلامی، به بیان تاریخچه ظهور دو عبارت مذکور به عنوان نمود تغییر گفتمان در صنعت مالی اسلامی پرداخته می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در تعاریف محصولات مبتنی بر شریعت، دست‌کم یکی از اصول تفکیک (تأکید بر تفکیک محتوایی مالی اسلامی از مالی مرسوم)، اعتبار و رفاه نمود داشته است. اصل تفکیک به مفاهیم توسعه محصولات مجزا، تفکیک وجوه، تفکیک بخشی و تفکیک قیمت‌گذاری اشاره دارد. اصل اعتبار به سه مفهوم اعتبار تاریخی، ارتباط معتبر با بخش واقعی اقتصاد و شفافیت هستی‌شناختی می‌پردازد. نهایتاً مفاهیم موجود در اصل رفاه نیز عبارتند از: «تسهیم ریسک»، «محافظت از فقرا» و «عملیات کسب‌وکار رفاه‌گرا». این تغییر در گفتمان، مشکل نیست؛ بلکه نشانه‌ای از بلوغ مالی اسلامی و حرکت به سمت اهداف نظام اقتصادی اسلام محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: مالی اسلامی؛ اقتصاد اسلامی؛ شریعت.

* عضو هیأت علمی، گروه حسابداری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Alireza.ramrouz@iau-tnb.ac.ir

** دانشجوی دکتری، مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ و

پژوهشگر مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، تهران، ایران

m_simiari@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

مقاله مدت ۲ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

صنعت مالی اسلامی، خود را به‌عنوان جایگزین شرعی مالی مرسوم معرفی کرده است و افراد علاقه‌مند به این حوزه تمایل دارند رویه واقعی مالی اسلامی را به ایده‌آل‌های اخلاقی نزدیک‌تر کنند. بسیاری از سمینارها، نشست‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌ها به دنبال پیشرفت‌های اخلاقی در مالی اسلامی هستند. چنین تقاضاهایی به دلیل این تفکر ایجاد شده‌اند که مالی اسلامی از این ظرفیت برخوردار است که اخلاقی‌تر از آنچه امروز هست، باشد.

طرفداران این به‌سازی برای تشریح تغییراتی که در ذهن دارند از واژگان متنوعی استفاده می‌کنند. به عقیده برخی، صنعت مالی اسلامی می‌بایست از تأکید بر «شکل» به سمت تأکید بر «محتوا» حرکت کند؛ برخی دیگر حرکت از سمت سیستم «انتقال ریسک» به سیستم «تسهیم ریسک»^۱ را مناسب می‌دانند و عده‌ای معتقد هستند از «تقلیدی کردن» ابزارهای مالی مرسوم باید به سمت ایجاد ابزارهای اسلامی «بومی» حرکت کرد؛ برخی نیز اتخاذ رویکرد «مبتنی بر حقوق مالکانه» به جای رویکرد «مبتنی بر بدهی» را مناسب می‌دانند و نهایتاً برخی طرفدار ساختارهای «مبتنی بر دارایی»^۲ به جای ساختارهای «با پشتوانه دارایی»^۳ هستند.

در طول دهه گذشته، شاید رایج‌ترین درخواست طرفداران ایجاد اصلاحات در صنعت مالی اسلامی، حرکت نهادهای مالی اسلامی از عرضه صرف ابزارهای «منطبق با شریعت»^۴ به سمت عرضه ابزارهای «مبتنی بر شریعت»^۵ (یا «منبعث از شریعت»^۶ بوده است؛ اما این واژگان دقیقاً چه معنایی دارند؟ واژگان نام‌برده مبهم هستند؛ اما به نظر می‌رسد عبارت «مبتنی بر شریعت» حتی بازیگران صنعت مالی اسلامی را نیز سردرگم کرده باشد. حتی برخی از متخصصین حوزه بانکداری نیز در تشریح تفاوت بین تأمین مالی منطبق با شریعت و تأمین مالی مبتنی بر شریعت دچار مشکل هستند. عده‌ای نیز

-
1. Risk Sharing
 2. Asset-based
 3. Asset-backed
 4. Shariah-compliant
 5. Shariah-based
 6. Shariah-driven

این دو عبارت را مترادف در نظر می‌گیرند و اساساً تشریح تفاوت بین این دو عبارت را بی‌معنا می‌دانند.

برای مثال، ربیع^۷ (۲۰۱۳م) بیان می‌کند برخی منطبق با شریعت را به معنای تابع شریعت بودن و همسانی با آن می‌دانند. در زمینه معاملات مالی اسلامی، این اصطلاح به این معنی است که تمام معاملات مالی باید با فقه معاملات انطباق داشته باشند. فقه معاملات از منابع شریعت (مانند قرآن و سنت) استخراج می‌شوند؛ بنابراین، می‌توان گفت انطباق با شریعت نشأت گرفته از مبتنی بر شریعت بودن یا چارچوب شرعی اصول، قواعد، آموزه‌ها و ممنوعیت‌ها است. بر این اساس، اگر عملی منطبق بر شریعت باشد، لزوماً مبتنی بر شریعت نیز در نظر گرفته می‌شود.

۱. نگرش‌ها به نظام مالی اسلامی

برای توضیح دو اصطلاح محصولات منطبق با شریعت و محصولات مبتنی بر شریعت نیاز است مروری بر نگرش‌های مختلف به نظام مالی اسلامی داشته باشیم. دو رویکرد اصلی در مطالعات مالی اسلامی عبارتند از «نگرش نظام‌سازی به نظام مالی اسلامی» و «نگرش فقهی به نظام مالی اسلامی».

بر اساس نگرش نظام‌سازی به نظام مالی اسلامی، نظام مالی اسلامی بر پایه عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام بنیان نهاده می‌شود که به روش اجتهادی از منابع استنباط^۸، کشف می‌شوند. مطابق آموزه‌های دینی، «مبانی بینشی و ارزشی»، «سنت‌های الهی»، «اهداف»، «احکام» و «اخلاق» به‌عنوان عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام از متون شریعت و به روش اجتهادی کشف می‌شوند و دیدگاه اسلام در این موارد تأسیسی^۹ است؛ به این معنا که خود شریعت متصدی بیان این موارد است و ما وظیفه داریم آن‌ها را به روش اجتهاد از منابع استنباط کشف کنیم. از سوی دیگر، نظام مالی اسلام دارای عناصر متغیری نیز هست که عبارتند از: «بازارهای مالی»، «قوانین و مقررات و قراردادهای مالی»، «سازمان‌ها و نهادهای مالی»، «ابزارها و محصولات مالی» و «الگوهای

7. Rabiah

۸. منابع فقه امامیه عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل.

۹. یعنی شرع مقدس اسلام آن را وضع کرده و پیش از آن سابقه‌ای نداشته است.

رفتاری». این عناصر به روش‌های متداول علوم مرسوم، از تجربه و دانش بشری به دست می‌آیند و موضع شریعت در این عناصر غالباً امضایی است؛ به این معنا که از میان یافته‌های دانش و تجربه بشری فقط آن عناصری انتخاب می‌شوند که سازگار با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام باشند یا بتوان آن‌ها را با انجام اصلاحاتی سازگار کرد. در نگرش فقهی به نظام مالی اسلامی، صرفاً سازگاری عناصر متغیر نظام مالی اسلام شامل بازارهای مالی، ابزارهای مالی، نهادهای مالی، قوانین و مقررات و الگوهای رفتاری مالی و اقتصادی، با احکام و موازین فقهی بررسی و در صورت سازگاری تأیید می‌شوند. به بیان دیگر، این رویکرد صرفاً امضایی است؛ بدین معنا که شارع مقدس در برخورد با معاملات و روابط مالی عرف و عقلا، برخی معاملات را که ناسازگار با موازین فقهی است حرام یا باطل می‌شمارد و گروهی دیگر از معاملات و قراردادها را امضا و تأیید می‌کند.

مقایسه بین این دو نگرش نشان می‌دهد که در رویکرد فقهی، سازگاری و تطابق عناصر متغیر نظام مالی اسلام، صرفاً با احکام و موازین فقهی بررسی می‌شود؛ اما در رویکرد نظام‌سازی، ابتدا نظام مالی اسلام باید به سمت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، یعنی پیشرفت، عدالت و امنیت حرکت کند و سپس، عناصر متغیر نظام مالی اسلامی باید علاوه بر سازگاری با موازین فقهی، با سایر عناصر ثابت نظام از جمله مبانی بینشی و اخلاق اقتصادی نیز سازگاری لازم را داشته باشند (موسویان و توحیدی، ۱۴۰۲).

به طور مشابه، برخی دو رویکرد متفاوت فقها و اقتصاددانان اسلامی را مطرح می‌کنند. قید «اسلامی» در رویکرد فقها به معنای «مخالف شریعت نبودن» است؛ در حالی که در رویکرد اقتصاددانان اسلامی، یک اصلاح‌اساسی در نظام مالی دنبال می‌شود و مشارکت در سود و زیان به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی محسوب می‌شود (Alamad, 2019, pp. 13-15).

۲. «مبتنی بر شریعت» یا «منطبق با شریعت»؟

سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا تمایزی بین دو اصطلاح «منطبق با شریعت» و «مبتنی بر شریعت» وجود دارد؟ آیا محصولی که منطبق با شریعت است، لزوماً مبتنی بر شریعت نیز محسوب می‌شود یا خیر؟

به نظر می‌رسد اصطلاح انگلیسی «منطبق با شریعت» در اوایل یا اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به وجود آمده است. در مقابل، عبارت «بانکداری اسلامی» در سال ۱۹۷۴ و حتی قبل از آن به منابع دانشگاهی و روزنامه‌های انگلیسی زبان عمده راه یافت و عبارت «مالی اسلامی» نهایتاً از سال ۱۹۸۲ در زبان انگلیسی استفاده شده است. پیش از اواسط دهه ۱۹۹۰، نویسندگان به‌طور معمول صرفاً از برچسب «اسلامی»، برای مثال «تمهیدات تسهیم سود اسلامی» استفاده می‌کردند و مانند امروز از عبارت «منطبق با شریعت»، به‌عنوان صفت استفاده نمی‌شد؛ اما آیا استفاده از عبارت منطبق با شریعت ضرورت داشت؟ چه اشکالی داشت اگر امروزه نیز همانند دهه ۱۹۸۰ صرفاً از واژه اسلامی استفاده می‌شد؟

نخستین پاسخ محتمل، ترمیم اعتماد مصرف‌کنندگان به مالی اسلامی بود که در پی برخی رسوایی‌ها خدشه‌دار شده بود. در آن زمان، برخی از عملیات مالی به اصطلاح «اسلامی» نزد عموم مردم بدنام شده بودند. شاید بدترین مورد، دخالت داشتن بسیاری از معروف‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی مصر مانند الریان و السعد در دهه ۱۹۸۰ میلادی در کلاهبرداری‌های هرمی و رفتارهای نامشروع بود. مدیران این شرکت‌ها مشروعیت عمومی خود را از دست دادند و برای مثال، الریان که نهایتاً به ۲۱ سال حبس محکوم شد به موضوع سریال‌های تلویزیونی ماه رمضان تبدیل شد. استفاده از عبارت «منطبق با شریعت» در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان راهی برای تأکید بر انطباق عملیات نهادهای مالی اسلامی با استانداردهای اخلاقی سطح بالا استفاده شده است.

دلیل دوم این است که عبارت «منطبق با» از یک کارکرد بازاریابی قوی دیگر نیز برخوردار است؛ این عبارت نشان می‌دهد که پشت هر محصول مالی اسلامی تأیید شده، سطح بالایی از خرد رسمی، کارشناسی فنی و ارزیابی دقیق قرار دارد. کلمه «منطبق با» به معنای «احراز کردن قواعد یا استانداردها یا انطباق داشتن با آن‌ها» یا

«تولید شده در انطباق با مجموعه مشخصی از قواعد» است. از آنجایی که مصرف‌کنندگان پیش‌ازین به استفاده از عبارت «استانداردهای انطباق» در مورد محصولات الکتریکی (به معنای نظارت بر وجود سطح فلزات سنگین بود)، غذایی (به معنای بالاترین سطوح آزمون سم و باکتری بود) و هواپیما (به معنای لزوم انجام صدها آزمون الکتریکی و مکانیکی بود) عادت داشتند، عبارت «منطبق با شریعت» برای مشتریانی که در مورد چستی محصولات مالی اسلامی سؤال داشتند، اطمینان مجدد فراهم می‌کرد.

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی غالب محصولات مالی اسلامی صرفاً مبتنی بر یک قرارداد اسلامی مانند مرابحه، مشارکت یا مضاربه بودند. در واقع، از نام قرارداد برای تشریح محصول استفاده می‌شد. برای مثال، تأمین مالی اسلامی خودرو به‌سادگی تأمین مالی خودرو مرابحه نامیده می‌شد؛ اما با ورود مالی اسلامی به بازارهای سرمایه در دهه ۱۹۹۰، الزامات نام‌گذاری تغییر کرد. برای مثال، اطلاق عبارت اسلامی به صندوق‌های سرمایه‌گذاری گمراه‌کننده بود؛ اما استفاده از عبارت «منطبق با شریعت»، اینکه سهام فاقد هرگونه شرایط ناقض فقه اسلامی مانند دخالت در بخش‌های حرام همانند گوشت خوک، مشروبات الکلی و... است را به‌طور دقیق‌تری به تصویر می‌کشید. همچنین با افزایش معرفی محصولات مرسوم، استفاده از عبارت «منطبق با شریعت» برای ایجاد تفاوت بیشتر بین محصولات منطبق با شریعت و محصولات مرسوم ضرورت بیشتری پیدا می‌کرد.

عبارت «مبتنی بر شریعت» (مترادف عبارت «منبعث از شریعت») به‌عنوان جایگزینی که از نظر اخلاقی نسبت به عبارت «منطبق با شریعت» مرجح است، بیان می‌شود. عبارت «مبتنی بر شریعت» احتمالاً نخستین بار در اواسط دهه ۲۰۰۰ میلادی ظاهر شده است. خان^{۱۰} در سال ۲۰۰۶ در نخستین کاربردهای عبارت «مبتنی بر شریعت»، عبارت «منطبق با شریعت» را در ارتباط با «محصولات بدهی» و «مبتنی بر شریعت» را در ارتباط با «محصولات پس‌انداز و سرمایه‌گذاری» استفاده کرد.

کاربرد عبارت «مبتنی بر شریعت» در اواخر دهه ۲۰۰۰ میلادی و نیمه نخست دهه ۲۰۱۰ اشاعه یافت. یکی از دلایل افزایش گفتمان تفکیک قائل شدن بین دو عبارت

«منطبق با شریعت» و «مبتنی بر شریعت» در صنعت مالی اسلامی، کاهش تدریجی استفاده از مدل مشارکت در سودوزیان^{۱۱} به‌عنوان عنصر هدایت‌کننده مالی اسلامی است. عبارت «منطبق با شریعت»، عبارتی بود که صنعت مالی اسلامی برای حرکت از تأمین مالی مبتنی بر بدهی به سوی تأمین مالی مبتنی بر حقوق مالکانه (یعنی PLS) به آن نیاز داشت. عبارت «مبتنی بر شریعت»، عبارتی است که صنعت مالی اسلامی برای حرکت از تأمین مالی اسلامی شکلی به سمت تأمین مالی اسلامی محتوایی‌تر (مبتنی بر شریعت) به آن نیاز دارد.

در سه دهه گذشته، نقش تأمین مالی مبتنی بر PLS به‌عنوان یک هدف عملیاتی برای صنعت مالی اسلامی کاهش یافته است؛ اما همچنان به‌عنوان یک روایت ایده‌آل باقی مانده است. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، اکثریت وسیعی از بازیگران مالی اسلامی تلاش‌های جدی برای اجرای مضاربه و سایر مدل‌های کل‌نگر مبتنی بر PLS را متوقف کردند. علت این امر نه شکست‌های اخلاقی یا مشکلات فردی، بلکه تنظیم‌گری و شرایط حاکم بر بازار بود که مانع اجرای تمام و کمال PLS می‌شدند. درست است که ساختارهای PLS همچنان در مالی اسلامی نقش ایفا می‌کنند، اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ این نقش جزئی شده است. امروزه حتی روش‌های تأمین مالی مبتنی بر مضاربه و مشارکت که در حقیقت اولیه خود بازدهی متغیر بودند نیز ابزارهای بدهی معمول را (که دارای سود ثابت معین هستند) هم‌تاسازی می‌کنند؛ تا جایی که چیزی بسیار مشابه یک بازده مثبت و از پیش تعیین شده عرضه می‌نمایند. از منظر روایی، نهادهای مالی اسلامی، دانشمندان اسلامی و حتی تنظیم‌کنندگان دولتی همچنان مدعی هستند که نگاه داشتن مالی اسلامی بر پایه PLS، تفاوت اصلی و مایه برتری مالی اسلامی نسبت به مالی مرسوم محسوب می‌شود. PLS بین دهه‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰ یک رویای معوق بود؛ اما روایی که همیشه یک ابزار بازاریابی سودمند در نظر گرفته شده است (Calder, 2020).

اما منظور از عبارت «مبتنی بر شریعت» چیست؟ در مورد معنای این عبارت سردرگمی وجود دارد. یک مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی^{۱۲} ادعا کرده است که کمیسیون اوراق بهادار مالزی در تغییر رویکرد از «منطبق با شریعت» به «مبتنی بر شریعت»، ضرورتاً به دنبال آزادسازی که بازارپذیری نوآورانه‌تر و بین‌المللی را میسر خواهد ساخت، بوده است.

گاهی اوقات «مبتنی بر شریعت» و «منبعث از شریعت»، معادل هرگونه اصلاح مطلوب در مالی اسلامی محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۰۷ میلادی، دفتر مرکزی یک بانک اسلامی چندملیتی ادعا کرد که یک چارچوب تنظیم‌گری پویاتر، نوآوری بیشتر، راه‌حل‌های فناوری مناسب‌تر، آموزش و منابع انسانی بهتر و دروندادهای دانشگاهی وسیع‌تر همگی اجزاء حیاتی «تغییر نگرش از «محصولات و خدمات منطبق با شریعت» به «محصولات و خدمات مبتنی بر شریعت» هستند. ادبیات مالی اسلامی نشان می‌دهد تعاریف مالی مبتنی بر شریعت به دست‌کم یکی از سه اصل مجزای: تفکیک^{۱۳}، اعتبار^{۱۴} یا رفاه^{۱۵} اشاره دارند.

• **تفکیک:** برخی از شخصیت‌های صنعت مالی اسلامی، تأمین مالی مبتنی بر شریعت را به‌عنوان ایجاد تفکیک بیشتر از مالی مرسوم نسبت به تفکیکی که فعالیت مالی صرفاً منطبق با شریعت ایجاد می‌کند، تعریف می‌کنند. به عقیده این افراد، تأمین مالی مبتنی بر شریعت شامل توسعه محصول مجزا، قیمت‌گذاری مجزا، تفکیک وجوه یا تفکیک بخشی است.

○ توسعه محصولات مجزا: به عقیده برخی از دانشمندان مالی اسلامی، ابزارهای مبتنی بر شریعت باید از پایه بر مبنای اصول اسلامی توسعه داده شوند. براساس این دیدگاه، ابزارهایی که به‌منظور قرار گرفتن در چارچوب قواعد شریعت، تقلید شده از مالی مرسوم هستند، ممکن است منطبق با شریعت باشند، اما

12. Oxford Business Group, The Report: Sarawak 2011 (London: Oxford Business Group, 2011).

13. Separation

14. Authenticity

15. Welfare

نمی‌توانند مبتنی بر شریعت باشند. از منظر جمیل^{۱۶} (۲۰۱۳م)، مبتنی بر شریعت بودن به معنای انجام کاری بیش از «ترکیب کردن صرف ابزارها برای تقلید از ابزارهای مرسوم» است.

برای مثال، به عقیده لاهساسنا و حسن^{۱۷} (۲۰۱۱م)، طراحی و توسعه محصولات مبتنی بر شریعت باید با شناسایی یک قرارداد تجاری اسلامی موجود آغاز شود؛ اما توسعه محصولاتی که صرفاً منطبق با شریعت هستند با «انتخاب یک محصول مناسب از نیش مارکت»^{۱۸} آغاز می‌شود. به‌طور مشابه، به عقیده ویلسون^{۱۹} (۲۰۱۰م) مبتنی بر شریعت بودن محصولات، مستلزم دخالت مستقیم دانشمندان اسلامی در طراحی و توسعه محصولات و نه صرفاً تأیید آنها است. به عقیده ایشان علی‌رغم موفقیت صکوک، همچنان پرسش‌های اساسی درباره مشروعیت صکوک از منظر شریعت پابرجا هستند؛ زیرا ساختارهای کنونی مبتنی بر شریعت نیستند و غالباً توسط حقوق‌دانان و بانک‌های سرمایه‌گذاری (شرکت‌های تأمین سرمایه) طراحی شده‌اند و قراردادهای در فقه به‌طور بااهمیتی متفاوت هستند. از آنجاکه صکوک توسط هیأت‌های شریعت نهادهای مسئول تمهیدات صکوک بررسی و تأیید می‌شوند، منطبق با شریعت به حساب می‌آیند؛ اما دانشمندان اسلامی عضو هیأت‌های شریعت در ساختار بندی این ابزارهای مالی دخیل نبوده‌اند.

طرفداران این دیدگاه تأکید می‌کنند که سرنوشت مالی اسلامی به توانایی نهادهای مالی اسلامی در پایان دادن به کپی کردن محصولات مبتنی بر بهره مرسوم و طراحی و توسعه ابزارها و بازارهای مختص مالی اسلامی بستگی دارد. براساس نظر قائد و کبیر (۲۰۱۱م)، هیچ تضمینی وجود ندارد که مالی اسلامی پس از بلوغ، متحمل یک بحران مالی مشابه بحران مالی جهانی سال

16. Jamil

17. Lahsasna & Hassan

۱۸. نیش مارکت (Niche Market)، بخش کوچکی از یک بازار بزرگتر است که نیازهای خاص خود را دارد.

نیچ مارکت ویژگی‌های محصول را با هدف پاسخ به نیازهای خاص بازار و همچنین محدوده قیمت، کیفیت

و جمعیت هدف مورد نظر، مشخص می‌کند.

19. Wilson

۲۰۰۸ نشود؛ مگر اینکه خود را متعهد به مبتنی بر شریعت بودن (محتوا) نماید و نه منطبق با شریعت بودن (شکل). چنین تعهدی صنعت جوان مالی اسلامی را مجبور می‌سازد برای تحقق هدف توسعه بازارهای سطح بالای مناسب این صنعت که ویژگی‌های مخصوص به خود را نیز دارند، به سمت پژوهش‌های قدرتمند و پایدار حرکت کند.

○ قیمت‌گذاری مجزا: یک استدلال مشابه - که البته کمتر رواج دارد- این است که محصولات مبتنی بر شریعت باید به گونه‌ای متمایز از محصولات مرسوم یا محصولاتی که صرفاً منطبق با شریعت هستند، قیمت‌گذاری شوند. برای مثال، مطابق نظر کمیسیون اوراق بهادار مالزی^{۲۰} (۲۰۱۱م)، یکی از ویژگی‌های محصولات مبتنی بر شریعت، تفاوت بااهمیت در ویژگی‌های قیمت‌گذاری و بازده آن‌ها نسبت به محصولات مرسوم و منطبق با شریعت است. به‌طور خاص، برخی استدلال می‌کنند که در ابزارهای مبتنی بر شریعت نباید از نرخ‌های بهره مرسوم به‌عنوان معیار قیمت‌گذاری استفاده شود. برای مثال، محصولات مباحه برای مبتنی بر شریعت بودن، نباید با استفاده از نرخ‌های بین‌بانکی (ایبور)^{۲۱} قیمت‌گذاری شوند. متساری و میراکخور^{۲۲} (۲۰۱۲م) طرفدار توسعه یک معیار مبتنی بر شریعت به‌عنوان ابزار سیاست‌های پولی هستند. به عقیده آن‌ها بانک‌های مرکزی می‌توانند ابزارهایی با سررسیدهای متفاوت و نرخ‌های مبتنی بر رشد تولید ناخالص داخلی^{۲۳} منتشر کنند که متعاقباً در بازارهای ثانویه معامله خواهند شد.

○ تفکیک وجوه: شون^{۲۴} (۲۰۰۹م) اشاره می‌کند که تفکیک وجوه مورد استفاده برای معاملات مالی اسلامی از وجوه مورد استفاده برای معاملات مالی مرسوم یکی دیگر از الزامات مبتنی بر شریعت بودن محسوب می‌شود. وی بیان می‌کند اگرچه بانک‌های مرسوم محصولاتی را عرضه می‌کنند که منطبق با شریعت

20. Securities Commission Malaysia

21. Interbank offered rate (IBOR)

22. Mat Sari & Mirakhor

23. Gross Domestic Product (GDP)

24. Schoon

هستند و برای توزیع محصولات اسلامی خود از کانال‌های توزیع مجزا استفاده می‌نمایند؛ اما این بانک‌ها وجوه حاصل از روش‌های اسلامی را با وجوه مرسوم ترکیب می‌کنند که ادعای آن‌ها در مورد انجام تأمین مالی مبتنی بر شریعت را مخدوش می‌سازد. سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا فعالیت مبتنی بر شریعت برای بخش‌ها و باجه‌های بانک‌های مرسوم اساساً ممکن است؟

تفکیک بخشی^{۲۵}: از منظر صدیقی^{۲۶} (۲۰۱۲م)، عبارت «مبتنی بر شریعت» در حوزه حقوق مالکانه باید صرفاً برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که دارای بخش اسلامی مجزا هستند، استفاده شود؛ بخش‌هایی مانند غذاهای حلال و مالی اسلامی. این تفکیک با حقوق مالکانه منطبق با شریعت که صرفاً محافظت‌های بخشی (فیلتر کردن بخش‌های حرام مانند مشروبات الکلی، گوشت خوک و...) و محافظت‌های مالی (فیلتر کردن شرکت‌هایی با بدهی بالا، حساب‌های دریافتی بالا و بهره غیرعملیاتی بالا که غالباً در کشورهای غیراسلامی فعال هستند) فراهم می‌کند، متفاوت است. مطابق نظر صدیقی (۲۰۱۱م) برخلاف شرکت‌هایی که مبتنی بر شریعت هستند، همانند بانک الراجحی، خانه مالی کویت^{۲۷}، بانک آسیا^{۲۸}، بانک اسلام^{۲۹} و بانک اسلامی دبی، میزان بانک پاکستان و...؛ شرکت‌های مشهور در زمینه منطبق با شریعت که صرفاً صنایع حلال محسوب می‌شوند در غرب مستقر هستند، همانند اپل، فایزر و اکسون موبایل.

- **اعتبار:** براساس اصل دوم، معاملات و ابزارهای مبتنی بر شریعت به‌عنوان معاملات و ابزارهایی تعریف می‌شوند که نسبت به معاملات و ابزارهای صرفاً منطبق با شریعت، اعتبار بیشتری دارند. در این حوزه، «اعتبار» می‌تواند شامل سه نوع

25. Sectoral Separation

26. Siddiqui

27. Kuwait Finance House (KFH)

28. Bank Asya

29. Bank Islam

متفاوت باشد: اعتبار تاریخی، ارتباط معتبر با بخش واقعی اقتصاد و شفافیت هستی‌شناختی^{۳۰}.

○ اعتبار تاریخی: یک ابزار مالی در صورتی دارای اعتبار تاریخی است که کاربرد جاری آن با کاربردی که قبلاً در تاریخ اسلام داشته، یکسان یا دست‌کم مشابه باشد. منظور از تاریخ اسلام دوره‌های غیرمدرن مانند عصر پیامبر اعظم (ص) یا دوره‌های قرون وسطی است که طی آن‌ها استفاده از قراردادهای اسلامی در تجارت رایج بود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت محصولات دارای اعتبار تاریخی، محصولات مبتنی بر شریعت هستند؛ زیرا فقها در اعصار مختلف این محصولات را تأیید کرده‌اند و بر اعتبار آن‌ها صحه گذاشته‌اند. محصولات مبتنی بر ساختارهای معین همانند مضاربه، مشارکت، سلف، اجاره و حواله به احتمال زیاد مبتنی بر شریعت هستند؛ زیرا در طول زمان توسط فقها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به طوری که مفاهیم، معانی، قواعد و شرایط آن‌ها به صورت واضح در کتب فقهی تشریح شده‌اند. در مقابل، ساختارهای نوینی که صرفاً برای پاسخ به نیازهای مدرن ترکیب شده‌اند، چنین خصوصیتی ندارند. برخی تأکید دارند که بانک‌های اسلامی اولیه از مضاربه و مشارکت صرفاً به عنوان ابزارهای سرمایه‌گذاری استفاده می‌کردند؛ اما نوآوری‌های جدید همانند استفاده از ضمانت بازپرداخت برای مضاربه و مشارکت، مبتنی بر شریعت محسوب نمی‌شوند؛ زیرا با دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای مؤسسان مالی اسلامی همسویی ندارند (Calder, 2020).

○ ارتباط معتبر با بخش واقعی اقتصاد: یکی از استدلال‌های رایج دیگر این است که یک ابزار برای مبتنی بر شریعت بودن باید ارتباط معتبری با اقتصاد واقعی داشته باشد. این اصل از الزامات بانک‌های اسلامی اولیه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بود و در آن زمان سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی فیزیکی همانند املاک و مستغلات یا کالاها ترجیح داده می‌شد (Warde, 2010).

اما با ظهور ابزارهای تأمین مالی مبتنی بر بدهی، مالی اسلامی به‌طور فزاینده‌ای از فعالیت‌های مولد اقتصادی جدا شد (حتی زمانی که برای تقلید از اعطای وام‌های مرسوم مبتنی بر بهره از فروش دارایی یا اجاره استفاده کرد). اگرچه امروزه بسیاری از نهادهای مالی اسلامی فقط به‌صورت شکلی به ایده لزوم ارتباط با اقتصادی واقعی می‌پردازند؛ اما افزایش ابزارهای مشتقه اسلامی، محصولات اسلامی دارای ضمانت بازپرداخت و سایر ابزارهای منطبق با شریعت، این ارتباط را تضعیف یا قطع کرده‌اند. در نتیجه، برخی از خبرگان صنعت به دنبال تأمین مالی مبتنی بر شریعتی هستند که این ارتباط را بازسازی کند.

○ شفافیت هستی‌شناختی: در مالی اسلامی دو نوع شفافیت در نظر گرفته می‌شوند. شفافیت تعاملی^{۳۱} و شفافیت هستی‌شناختی. یک محصول مالی در صورتی دارای شفافیت تعاملی محسوب می‌شود که نهاد فروشنده آن ابزار شرایط خود را در قرارداد بیان کند، محصول را بدون دروغ و آراستن برای مشتری تشریح کند و به شرایط عنوان‌شده پایبند باشد. شفافیت تعاملی (که با تسامح می‌تواند معادل غرری نبودن معامله در نظر گرفته شود) نه تنها از شرایط پایه تمام ابزارهای منطبق با شریعت است، بلکه در واقع ابزارهای ذیل اغلب نهادهای قانون سکولار نیز به این نوع شفافیت پایبند هستند.

نوع دیگر شفافیت، شفافیت هستی‌شناختی است. برای طرفداران تأمین مالی مبتنی بر شریعت، شفافیت هستی‌شناختی از ویژگی‌های ضروری یا شاید ضروری‌ترین ویژگی تمیزدهنده تأمین مالی مبتنی بر شریعت از تأمین مالی منطبق با شریعت است. یک ابزار یا معامله مالی در صورتی از نظر هستی‌شناسی شفاف محسوب می‌شود که «آنچه باید از نظر ماهوی انجام دهد را به انجام برساند» یا «آنچه انتظار می‌رود انجام دهد را به‌طور قابل‌درک به انجام برساند». شفافیت هستی‌شناختی از کارکردهای ساختار ابزار محسوب می‌شود و نه روش مخابره آن. اگر یک ابزار مالی اسلامی شفافیت

هستی‌شناختی داشته باشد، اسلامی بودن آن به‌سادگی قابل‌مشاهده و بر پایه اصول اسلامی بودن آن به حدی واضح است که نیازی به توضیح اضافه ندارد. مدیر یکی از مؤسسات سرمایه‌گذاری جسورانه اسلامی بیان کرده است: «از نظر من، مبتنی‌بر شریعت بودن به معنای همسویی با اصول [اسلام] است، آن‌طور که به‌وسیله مردم عادی جامعه فهم می‌شود». یکی از مشاوران شریعت یکی از بانک‌های مستقر در شورای همکاری خلیج‌فارس بیان می‌کند که اعتبار هستی‌شناختی در مالی اسلامی به این معنی است که محصولات باید همان چیزی باشند که مدعی آن هستند (Calder, 2020).

• **رفاه:** براساس اصل سوم، تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت با رفاه مرتبط است؛ اما تأمین مالی که صرفاً منطبق با شریعت است، فقط به تبعیت رسمی از شریعت مربوط می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، تأمین مالی مبتنی‌بر شریعت، ضمن اتخاذ یک رویکرد نتیجه‌گرا نسبت به شریعت، در پی دستیابی به نتایج اقتصادی شرعی مطلوب است؛ اما تأمین مالی صرفاً منطبق با شریعت، رعایت شریعت را در حد اطمینان از شرعی بودن قراردادها و معامله محدود می‌سازد. طرفداران این اصل، گاهی اوقات (اما نه همیشه) مبتنی‌بر شریعت بودن را صرفاً معادل ریشه داشتن در مقاصد الشریعه می‌دانند (برای مثال: Auda, 2022)^{۳۲}.

به بیان ساده، تعریف رفاه‌گرا از مالی مبتنی‌بر شریعت عبارت است از: «هر نوع فعالیت مالی یا محصول بانکی که منفعت عموم را ارتقا دهد، مبتنی‌بر شریعت است»؛ اما «رفاه» و «منفعت عموم» دو عبارت با دامنه گسترده هستند. در واقع، چند تعریف رفاه‌گرا برای «مبتنی‌بر شریعت» بودن، وجود دارد. برخی معتقد هستند شرط لازم مبتنی‌بر شریعت بودن، تسهیم ریسک است. برخی دیگر ابزارهایی را مبتنی‌بر شریعت می‌دانند که نیازهای مالی فقرا را برطرف می‌سازند. برخی از افراد نیز نه بر معامله بلکه بر عملیات کسب‌وکار نهاد مالی تمرکز دارند.

۳۲. اهداف، مقاصد یا اصول مورد نظر شارع از تشریح احکام که در مبانی فقه بررسی می‌شود. جایگاه مقاصد الشریعه در فقه اهل سنت نسبت به فقه امامیه، پررنگ‌تر است.

○ تسهیم ریسک: افرادی که تسهیم ریسک را برای تأمین مالی مبتنی بر شریعت ضروری می‌دانند، عموماً اعتقاد دارند تسهیم ریسک ذاتاً ارتقادهنده رفاه است. به عقیده این افراد ابزارهای منتقل‌کننده ریسک صرفاً منطبق با شریعت هستند و اساساً نمی‌توانند مبتنی بر شریعت باشند. این دیدگاه درباره تأمین مالی مبتنی بر شریعت، سابقه طولانی در تفکر اقتصاد اسلامی دارد و بسیار شبیه به تقاضای جهانی برای مدل‌های PLS است.

تسهیم ریسک در حوزه تقاضا برای تأمین مالی مبتنی بر شریعت، تعاریف متفاوتی دارد. برخی بر استفاده از ابزارهای خاص تمرکز دارند. مطابق نظر ویلسون (۲۰۰۹م)، «مضاربه و مشارکت ساختارهای مبتنی بر شریعت برای سرمایه‌گذاری‌های مالکانه در نظر گرفته می‌شوند» و خان (۲۰۰۶م) تأمین مالی مبتنی بر شریعت را به محصولات «پس‌انداز و سرمایه‌گذاری» مربوط می‌داند؛ اما برخی اشاره می‌کنند محصولات سرمایه‌گذاری همانند مضاربه و مشارکت می‌توانند به‌گونه‌ای که مبتنی بر شریعت یا حتی منطبق با شریعت نباشد در صکوک و سایر محصولات ساختاریافته مورد استفاده قرار گیرند. در نشست ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میلادی در سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^{۳۳}، رئیس هیأت شریعت این سازمان (شیخ محمدتقی عثمانی) برآورد کرد که حدود ۸۵ درصد از صکوک به‌گونه‌ای غیراسلامی سازمان‌دهی شده‌اند. با همین استدلال بسیاری افراد اصرار دارند که صکوک مبتنی بر شریعت باید «با پشتوانه دارایی» باشند و نه «مبتنی بر دارایی»؛ به عبارت دیگر، صکوک نباید بازده از پیش تعیین‌شده‌ای را تضمین کنند و باید حق ارجاع به دارایی‌های پایه در صورت نکول را برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند.^{۳۴}

33. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

۳۴. صکوک را می‌توان به دو دسته صکوک با پشتوانه دارایی و صکوک مبتنی بر دارایی تقسیم کرد. صکوک با پشتوانه دارایی منعکس‌کننده عملیات تبدیل به اوراق بهادارسازی متعاضد است که به موجب آن دارندگان صکوک، مالکان دارایی محسوب می‌شوند و عملکرد دارایی، محرک اصلی پرداخت به دارندگان صکوک است. از سوی دیگر، صکوک مبتنی بر دارایی منعکس‌کننده انتشار اوراق قرضه مرسوم است. دارندگان اوراق قرضه از ناشر اوراق طلبکار هستند. دارندگان صکوک مبتنی بر دارایی بدون وثیقه، هیچ‌گونه وثیقه‌ای

- محافظت از فقرا: براساس یک تعریف رفاه‌گرای دیگر، تأمین مالی مبتنی بر شریعت باید منافع فقرا را حفظ کند. وجدی‌دوسوکی^{۳۵} (۲۰۰۸م) یک تعریف رفاه‌گرا از تأمین مالی مبتنی بر شریعت به‌عنوان «خدمت به فقرا» را با یک تعریف اعتبار محور که به مأموریت نهادهای مالی دهه ۱۹۶۰ میلادی همانند «بانک پس‌انداز میت قمر»^{۳۶} بازمی‌گردد، ترکیب می‌کند:

نهادهای مالی مشابه میت قمر در مصر بر توسعه اقتصادی، فقرزدایی و ترویج فرهنگ قناعت در بین مسلمانان فقیر تمرکز داشته‌اند؛ اما باگذشت زمان محوریت بانکداری و مالی اسلامی بر دکتترین بیشینه‌سازی سود قرار گرفت. در نتیجه، اغلب ابزارهای مهندسی‌شده مالی برای رفع نیازهای مشتریان مرفه طراحی شده‌اند. این پدیده، برخلاف هدف غایی بانکداری اسلامی است و در نتیجه، مبتنی بر شریعت بودن نهادهای مالی را منعکس نمی‌کند.

براساس یک تفکر مشابه، تأمین مالی مبتنی بر شریعت باید از منافع مشتریانی که دچار سختی هستند پشتیبانی کند؛ حتی اگر این پشتیبانی برخلاف سودآوری نهاد مالی اسلامی باشد. براساس نظر یکی از کارشناسان مشهور مالی اسلامی، تأمین مالی مبتنی بر شریعت به این معنا است که «برای مثال اگر مستأجری که وام اسلامی دریافت کرده به دلیل بیماری نان‌آور خانواده یا هزینه‌های غیرمنتظره نتواند وام را بازپرداخت کند، بانک اسلامی باید بدون اخذ هزینه اضافه به شخص بدهکار زمان بدهد».
- عملیات کسب‌وکار رفاه‌گرا: یک تعریف رفاه‌گرای دیگر منطبق بر شریعت و مبتنی بر شریعت بودن را نه از منظر ساختار یا رویه معاملات با مشتریان، بلکه از منظر عملیات کسب‌وکار نهادهای مالی اسلامی تفکیک می‌کند. این دیدگاه هنوز در گفتمان صنعت رایج نشده است. براساس این دیدگاه، نهاد مالی مبتنی بر شریعت، استانداردهای بالایی را در مورد تمام کارکنان خود از

ندارند که در صورت نکول ناشر اوراق بتوانند به آن رجوع کنند. اما دارندگان صکوک مبتنی بر دارایی با وثیقه، در صورت نکول ناشر می‌توانند به وثیقه رجوع کنند (توحیدی، ۱۳۹۶).

35. Wajdi Dusuki

36. Mit Ghamr Savings Bank

مدیرعامل تا کارکنان خدماتی، مصرف انرژی و محیط‌زیست، آلاینده‌گی کربن و بازیافت در نظر می‌گیرد و فراتر از زکات، پرداخت خیریه انجام می‌دهد. این تعریف می‌تواند مشابه تعاریف رایج مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها باشد و می‌تواند با استقبال اشخاصی همانند زتی اختر عزیز^{۳۷} (رئیس سابق بانک مرکزی مالزی) که به دنبال پیوند دادن مالی اسلامی با «مالی سبز»^{۳۸} هستند، مواجه شود (Zeti, Azleena & Yousuf, 2019).

بحث و نتیجه‌گیری

مقایسه بین «نگرش نظام‌سازی به نظام مالی اسلامی» و «نگرش فقهی به نظام مالی اسلامی» نشان می‌دهد که در رویکرد فقهی، سازگاری و تطابق عناصر متغیر نظام مالی اسلام، صرفاً با احکام و موازین فقهی بررسی می‌شود، اما در رویکرد نظام‌سازی، ابتدا نظام مالی اسلام باید به سمت تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، یعنی پیشرفت، عدالت و امنیت حرکت کند و سپس، عناصر متغیر نظام مالی اسلامی باید علاوه بر سازگاری با موازین فقهی، با سایر عناصر ثابت نظام از جمله مبانی بینشی و اخلاق اقتصادی نیز سازگاری لازم را داشته باشند.

در طول دهه گذشته، شاید رایج‌ترین درخواست طرفداران ایجاد اصلاحات در صنعت مالی اسلامی، حرکت نهادهای مالی اسلامی از عرضه صرف ابزارهای «منطبق با شریعت» به سمت تحقق اهداف نظام اقتصاد اسلامی بوده است. بدین منظور و با توجه به نیاز ایجاد شده در ادبیات مالی اسلامی، عبارت «منطبق با شریعت» وارد گفتمان تخصصی این حوزه شده است که مفهوم، پس‌زمینه و معنای آن در کنار عبارت «مبتنی بر شریعت» برای استفاده‌کنندگان به‌خصوص در داخل کشور با ابهام مواجه است. مقاله حاضر به‌منظور روشن ساختن معنا و مفهوم این دو عبارت، ضمن مرور تاریخچه استفاده از دو عبارت مذکور به پس‌زمینه تئوریک و مفهوم مربوط به هر یک از آن‌ها در ادبیات مالی اسلامی پرداخته است.

37. Zeti Akhtar Aziz

38. Green Finance

عبارت «منطبق با شریعت» در دهه ۱۹۹۰ میلادی نخستین بار به منظور ترمیم اعتماد مصرف‌کنندگان به مالی اسلامی بود که در پی برخی رسوایی‌ها خدشه‌دار شده بود، به جای عبارت «اسلامی» وارد ادبیات مالی اسلامی شد. در آن زمان، برخی از عملیات مالی به اصطلاح «اسلامی» نزد عموم مردم بدنام شده بودند. استفاده از عبارت «منطبق با شریعت» به عنوان راهی برای تأکید بر انطباق عملیات نهادهای مالی اسلامی با استانداردهای اخلاقی سطح بالا استفاده شده است.

علاوه بر این، عبارت «منطبق با» از یک کارکرد بازاریابی قوی دیگر نیز برخوردار است؛ این عبارت نشان می‌دهد که پشت هر محصول مالی اسلامی تأییدشده، سطح بالایی از خرد رسمی، کارشناسی فنی و ارزیابی دقیق قرار دارد. معنای کلمه «منطبق با» دارای دامنه محدودتری است و به معنای «احراز کردن قواعد یا استانداردها یا انطباق داشتن با آنها» یا «تولیدشده در انطباق با مجموعه مشخصی از قواعد» است. از آنجایی که مصرف‌کنندگان پیش‌از این به استفاده از عبارت «استانداردهای انطباق» در مورد محصولات الکتریکی، غذایی و... عادت داشتند، عبارت «منطبق با شریعت» برای مشتریانی که در مورد چستی محصولات مالی اسلامی سؤال داشتند، اطمینان مجدد فراهم می‌کرد.

در مورد معنای عبارت «مبتنی بر شریعت» ابهاماتی وجود دارد. به عقیده یک مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی، کمیسیون اوراق بهادار مالزی در تغییر رویکرد از «منطبق با شریعت» به «مبتنی بر شریعت»، ضرورتاً به دنبال آزادسازی که بازارپذیری نوآورانه‌تر و بین‌المللی را میسر خواهد ساخت، بوده است.

گاهی اوقات «مبتنی بر شریعت» و «منبعث از شریعت»، معادل هرگونه اصلاح مطلوب در مالی اسلامی محسوب می‌شوند. ادبیات مالی اسلامی نشان می‌دهد تعاریف مالی مبتنی بر شریعت به دست‌کم یکی از سه اصل مجزای: تفکیک، اعتبار یا رفاه اشاره دارند.

اصل تفکیک به مفاهیم توسعه محصولات مجزا، تفکیک قیمت‌گذاری نسبت به بهره بازار مرسوم، تفکیک وجوه، تفکیک بخشی و مجزا اشاره دارد. اصل اعتبار به سه مفهوم اعتبار تاریخی، ارتباط معتبر با بخش واقعی اقتصاد و شفافیت هستی‌شناختی

می‌پردازد. مفاهیم موجود در اصل رفاه عبارتند از: تسهیم ریسک، محافظت از فقرا و عملیات کسب‌وکار رفاه‌گرا.

آنچه مسلم است، افزایش انتظارات از مالی اسلامی به دنبال رشد و اشاعه آن در سطح جهانی باعث شده است طرفداران این حوزه به دنبال محصولاتی باشند که اهداف متعالی اقتصاد اسلامی را محقق سازند و نه محصولاتی که صرفاً بر اساس شریعت آماده شده‌اند و حلال محسوب می‌شوند. این تغییر در گفتمان نه یک مشکل، بلکه نشانه‌ای از بلوغ مالی اسلامی و حرکت به سمت دستیابی به اهداف نظام اقتصادی اسلام محسوب می‌شود.

سپاسگزاری

این مقاله با حمایت دفتر مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار تدوین شده است.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله دکتری و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

۱. توحیدی، محمد (۱۳۹۶). تحلیلی بر صکوک با پشتوانه دارایی و صکوک مبتنی بر دارایی. ایران، تهران: دفتر پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار.
۲. موسویان، سیدعباس؛ و توحیدی، محمد (۱۴۰۲). مبانی مالی اسلامی. ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).

1. Alamad, S. (2019). *Financial and Accounting Principles in Islamic Finance*. New York: Springer International Publishing.
2. Auda, J. (2022). *Maqasid Al-Shari'ah as Philosophy of Islamic Law*. International Institute of Islamic Thought (IIIT).

3. Calder, R. (2020). Shari'ah-compliant or Shari'ah-based? The Changing Ethical Discourse of Islamic Finance. *Arab Law Quarterly*, 35(1-2), 50-73.
4. Jamil, A. (2013). Islamic Banks Should Focus More on Quality Growth. *The Malaysian Reserve*, 24.
5. Kayed, R. N., & Hassan, M. K. (2011). The Global Financial Crisis and Islamic Finance. *Thunderbird International Business Review*, 53(5), 551-564.
6. Khan, A. (2005). The Interaction Between Shariah and International Law in Arbitration. *Chi. J. Int'l L.*, 6, 791.
7. Lahsasna, A., & Hassan, M. K. (2012). The Shariah Process in Product Development and Approval in ICM. *Islamic Capital Markets: Products and Strategies*, 23-68.
8. Mat Sari, N., & Mirakhor, A. (2012). Islamic Monetary Policy in Malaysia: a Conceptual Framework. In *2nd ISRA Colloquium "Islamic Finance in a Challenging Economy: Moving Forward"*.
9. Moussavian, S, A; & Tohidi, M., (2013). Fundamentals of Islamic Finance. Iran, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Academic Books in Islamic Sciences and Humanities (SAMAT). (In Persian)
10. Nor, E., Pitchay, A. A., & Usman, M. (2020). How "Islamic" Is Islamic Banking? A Revisit. *Accounting, Finance and Business (IJAFB) EISSN*, 5, 219-37.
11. Schoon, N. (2009). *Islamic Banking and Finance*. London: Spiramus Press.
12. Securities Commission Malaysia. (2011). Capital Market Masterplan 2: Widening Islamic Capital Markets International Base. *Malaysian ICM: Quarterly Bulletin of Malaysian Islamic Capital Market*, 2-3.
13. Siddiqui, R. (2011). Islamic Finance, Halal Industry and the Media. *Business Times (Malaysia)*.
14. Siddiqui, R. (2012). Year of Index Outperformance. *Business Times (Malaysia)*.
15. Tohidi, M., (2017). An Analysis of Asset-Backed Sukuk and Asset-Based Sukuk. Iran, Tehran: Islamic Research, Development and Studies Office, Securities and Exchange Organization. (In Persian)
16. Warde, I. (2010). *Islamic Finance in the Global Economy*. Edinburgh University Press.
17. Wilson, R. (2010). Islamic Capital Markets: the Role of Sukuk. *Islamic Finance Instruments and Markets*, 57-60.
18. Wilson, R. (2009). The Development of Islamic Finance in the GCC. *London: London School of Economics*, 15.
19. Zeti, A., Azleena, I., & Yousuf, S. (2019). Responsible Finance- Ethical and Islamic Finance: Meeting the Global Agenda. *London: Responsible Finance & Investment (RFI) Foundation*. International Base', Malaysian ICM.

20. Wajdi Dusuki, A. (2008). Understanding the Objectives of Islamic Banking: a Survey of Stakeholders' Perspectives. *Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 1(2), 132-148.